

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## فیلسوفی که مردم را می شناسد



رضا داوری اردکانی زاده ۱۵ تیر ۱۳۱۲ در اردکان، فیلسوف و متفکر ایرانی است. از سال ۱۳۷۷، ریاست فرهنگستان علوم ایران را بر عهده دارد و از چهره‌های شاخص در حوزه‌نظریه‌پردازی فرهنگی و اندیشه فلسفی به‌شمار می‌آید. سال ۱۳۴۶ دکتری فلسفه را به پایان رساند و از همان زمان مشغول تدریس در دانشگاه تهران شد. از سال ۱۳۶۳ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و تا سال ۱۳۸۵ هم سردبیری مجله نامه فرهنگ را بر عهده داشت.

داوری از شاگردان مرحوم سید احمد فرید بوده و در رفع اتهاماتی که به اندیشه فرید وارد شده بسیار کوشیده است. دکتر عبدالکریم سروش از منتقدان جدی و همیشگی داوری بوده هست، جایزه‌ویژه یونسکو برای تجلیل از مقام علمی و فلسفی دکتر داوری هم‌زمان با جشن زادروز هشتاد سالگی اش به او اهدا شد. او از معدود اندیشمندان ایرانی است که با جامعه خود بیگانه نیستند؛ برای مثال در باره فوتبال حرف می‌زند و آن را تحلیل می‌کند، وضعیت آموزش و پرورش را به گونه‌ای تبیین می‌کند که گویی تمام عمر را بر سر این امر نهاده است.

او معتقد است: «در باب سیاست جز این نمی‌دانم که حکومت، دو نوع است؛ حکومتی که مسائل و مشکلات را می‌یابد و کم و بیش آنها را حل و رفع می‌کند و حکومتی که صرفاً برای حفظ خویش می‌کوشد و البته این حکومت موفق نمی‌شود.»

از سال جاری مرکز فرهنگی شهر کتاب به منظور تقدیر از دانشجویان دکتری رشته فلسفه «جایزه دکتر رضا داوری اردکانی» را به بهترین رساله دکتری رشته فلسفه اهدا می‌کند.

**خودزنی / محیط زیست**

## اجازه نداریم آب را مصادره کنیم

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از آغاز تدوین برنامه‌مدیریت زیست‌بومی تالاب گاوخونی خیر داد و گفت: «این برنامه طی چند ماه آینده تدوین نهایی شده و در فاز اجرایی قرار خواهد گرفت». محسن سلیمانی، با اشاره به ورود آب به تالاب گاوخونی در اصفهان افزود: «شرایط تالاب با میزان آبی که وارد آن شده است به معنای احیای کامل نیست؛ اما این خبر برای مردم منطقه بسیار خوشحال‌کننده بود».

وی با بیان اینکه آب تالاب گاوخونی مسیر طولانی حدود ۴۰۰ کیلومتر را از زاینده‌رود طی می‌کند تا به این تالاب برسد، تصریح کرد: «بهره‌برداران متعددی از این آب برداشت می‌کنند و به همین دلیل هم طی چند سال گذشته آب قابل توجهی به تالاب نمی‌رسید و پساب‌های کشاورزی و صنعتی به تالاب می‌رسید که همان هم شامل حجم بسیار پایینی بود».

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران گفت: «بهره‌برداران از آب زاینده‌رود در حال حاضر به ضرورت این امر پی برده‌اند که بخشی از آب رودخانه سهم طبیعت است و ما اجازه مصادره آب آن را نداریم».

سلیمانی یادآور شد: «ورود آب به تالاب گاوخونی نشانه احیای کامل آن نیست و هنوز میزان واقعی آب برای احیای کامل آن مشخص نیست، اما چنانچه سهم تالاب را از رودخانه زاینده‌رود افزایش داده و تالاب گاوخونی حداقل کارکرد اکولوژیک خود را داشته باشد، به احتمال زیاد آب این تالاب تا مرحله احیا، حداقل تا ۵ سال آینده تامین خواهد شد».

وی با بیان اینکه علاوه بر موضوع کمیت آب تالاب گاوخونی کیفیت آن هم مهم و حیاتی است، اظهار کرد: «در این شرایط تالاب حداقل کارکردهای اکولوژیک خود را خواهد داشت».

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به نقش مردم و کشاورزان در طول چند دهه گذشته برای خشک شدن این تالاب اشاره کرد و یادآور شد: «نقش مردم و کشاورزان در خشک شدن تالاب‌ها بسیار موثر بوده و بخش عمده این تالاب‌ها به طور ناپایدار مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. همچنین بخش عمده‌ای از آب رودخانه زاینده‌رود در مسیر تالاب گاوخونی به کشاورزی، مصارف صنعتی و مصارف شرب شهرها اختصاص پیدا می‌کرد و متأسفانه در این بین به‌تنها چیزی که توجه نشد، سهم زیست محیطی این تالاب از آب رودخانه زاینده‌رود بود».

سلیمانی تصریح کرد: «در حال حاضر نقش بخش کشاورزی و صنعت در مصرف رودخانه زاینده‌رود بسیار مورد توجه است؛ چرا که این رودخانه باید آب تالاب گاوخونی را تامین کند. البته احیای کامل گاوخونی، بستگی به آب ورودی تالاب و تخصیص کامل آب دارد».

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران گفت: «پیش‌بینی می‌کنیم با وسعت تالاب گاوخونی که کمتر از تالاب دریاچه ارومیه است، هرچه زودتر این تالاب به طور کامل احیا شود، اما با توجه به اینکه تنها شریان حیاتی آب‌تامین‌کننده تالاب زاینده‌رود است، نیازمند برنامه‌ریزی منسجم و مدونی هستیم تا در بازه زمانی ۵ ساله شاهد احیای تالاب گاوخونی باشیم».

به گفته سلیمانی طی چند ماه گذشته تلاش‌های ملی زیادی برای ورود آب به تالاب گاوخونی صورت گرفته و برنامه سازمان محیط زیست به ویژه رئیس سازمان در این راستا منسجم بوده است.



**فارسی را پاس بداریم**

## زبان خانه هستی است

دیروز در باره مسری بودن مرض بدنبوسی و شیوع آن در میان عموم ایرانیان حرف زدیم و بحثمان به اینجا رسید که واقعا راه مقابله با این بیماری چیست؟ آیا این مرض لاعلاج است خدای نکرده؟ نمی‌خواهم ناامیدتان کنم. اصلا به خود اجازه نمی‌دهم در این ستون که به نام نامی زبان شیرین فارسی مزین است حرف از ناامیدی بزنم اما باور بفرمایید چگونه نوشتن‌های هموطنان و همکاران گرمی طاقت از من بروده و هر آینه ممکن است کار دست خود بدهم و با خلق خدا دست به گریبان شوم. اگر لطف خوانندگان فرضی این ستون نبود و همین مقدار امکان درد دل کردن نداشتم، ممکن بود شبانه به بعضی مراکز اداری و تجاری حمله‌ور شوم و بیلبورد و تراکت نوشته‌های دیگری از این دست را با خشونت هرچه تمام‌تر پایین بیاورم تا بلکه آبی باشد بر آتش که در دلم شعله‌ور است، وقتی از در دیوار غلط می‌بارد آدم چقدر می‌تواند ساکت بماند؟ چقدر باید صبر کند. چقدر با خودش بگوید اشکالی ندارد؟ از سر در بانک‌ها و اداره‌هایمان گرفته تا تابلوی رستوران‌ها و فروشگاه‌هایمان تا روزنامه‌ها و نشریات‌مان همه جا و هر نوشته‌ای مملو از غلط است.

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## یک حکایت واقعی خیالی

«نازنین و بوبوک» داستایوِسفکی پس از ۶۱ سال تجدید چاپ شد

هر خبر تازه‌ای درباره انتشار اثری از فتودور میخائیلوویچ داستایفسکی (زاده یازدهم نوامبر ۱۸۲۱ و درگذشته به تاریخ ۹ فوریه ۱۸۸۱ میلادی)، دوستداران ادبیات داستانی را پیگیر تهیه آن اثر می‌کند، حتی اگر آن خبر بر تجدید چاپ یکی از آثار این نویسنده بزرگ دلالت کند؛ نویسنده‌ای که زندگی پر فراز و نشیبش بی‌شبهت به مران‌هایش نیست و فیلسوف بزرگی چون نیچه درباره او گفته است: «من روان‌شناسی را از داستایوفسکی آموختم». ویژگی منحصر به فرد آثار وی روانکاوی و بررسی زوایای روانی شخصیت‌های داستان است. اکثر داستان‌های وی همچون شخصیت خودش سرگذشت مردمی‌ست عصیان زده، بیمار و روان‌پریش.

سورنالیست‌ها مانیفست خود را بر اساس نوشته‌های داستایوسفکی ارائه کرده‌اند. اکثر داستان‌های وی همچون شخصیت خودش سرگذشت مردمی‌ست عصیان‌زده، بیمار و روان‌پریش.

اما خبر تازه در باره این داستان‌نویس بزرگ این است که انتشارات علمی و فرهنگی مجموعه داستان «نازنین و بوبوک» فتودور داستایوسکی را با ترجمه رحمت الهی روانه بازار کتاب کرده است. این کتاب از دو بخش مستقل نازنین و بوبوک تشکیل شده که در هر بخش داستانی بلند از زبان نویسنده روایت می‌شود و ارتباطی نیز میان آنها وجود ندارد.

به گفته رحمت الهی، مترجم این اثر (که با توجه به تاریخ چاپ اول اثر نمی‌دانیم هنوز در قید حیات است یا نه) کتاب حاضر یکی از داستان‌های کتاب «یادداشت‌های روزانه یک نویسنده» است که همه آن به صورت جدا جدا و مستقل انشا شده است. در مقدمه‌ای که داستایوسکی بر این کتاب نوشته آمده است: «از خوانندگان حکایتم بپوزش می‌خواهم که این بار به جای خاطرات روزانه

**گردش روزگار برعکس است**



**امید دستگیری منقطع کن زین سبک مغزان / که چون نی ناله برمی‌خیزد از سعی عصا اینجا… (بیدل دهلوی)**

**طرح: بهروز فیروزی**

**با کاروان حله / اخبار هنر**

### «سفید» صلح را برای همه می‌خواهد

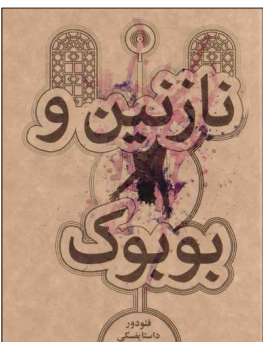


حسین طادی مدیر داخلی خانه طراحی در باره برگزاری نمایشگاه گروهی طراحی «سفید» در گالری زیرزمین دستان گفت: «خانه طراحی در طی سال یکسری پروژه‌ها را برای گسترش بین فضاهای طراحی تعریف می‌کند. در همین راستا آقای فرهاد گاوزن با انتخاب و جمع‌آوری آثار در صدد برپایی این نمایشگاه برآمدند». وی ادامه داد: «در این نمایشگاه حدود ۳۰ اثر طراحی با مدیاهای مختلف

طراحی از شیوا شهلا، امین تیمار، مهدیه ابوالحسن، امیر محمدزاده، رضوان رسولی و اثری از خودم که همگی از اعضای خانه طراحی هستند به نمایش در آمده است. اغلب این افراد در بخش انفرادی به صورت حرفه‌ای کار کرده‌اند و در کنار آن با خانه طراحی نیز همکاری‌هایی دارند که آثارشان برای این نمایشگاه انتخاب شده است». طادی دلیل انتخاب این آثار را در راستای گسترش مدیا و طراحی بیان کرد و افزود: «این نمایشگاه نگاهی دیگر به طراحی معاصر دارد و در برخورد با متریک‌ها نیز به گونه‌ای است که تاکنون کمتر دیده شده است. در این نمایشگاه بیشتر کارها روی مقواست، اما ارائه اثر کاملاً متفاوت است. کار با کاغذ و کیفیتی که کاغذ به کار می‌دهد مهم‌ترین نکته است.» طادی علت انتخاب نام «سفید» را برای این نمایشگاه اشاره غیر مستقیم به صلح دانسته و گفت: سفید می‌تواند اشاره به صلح داشته باشد و نگاهی به مسائل کشورهای اطراف که تشدید خشونت رانشان می‌دهد.» نمایشگاه گروهی طراحی «سفید» جمعه تا ۲۵ تیرماه در گالری زیرزمین دستان برپاست.

دل در بر من زنده برای غم توست
بیگانه‌ی خلق و آشنای غم توست
لطفی است که می‌کند غمت بادل من
ور نه دل تنگ من چه جای غم توست؟
(مولانا جلال‌الدین بلخی، قرن هفتم، رباعیات)

## سوت پایان



نازنین و بوبوک نویسنده: فتودور داستایوسکی مترجم: رحمت الهی ناشر: علمی و فرهنگی قیمت: ۱۲ هزار تومان

معمولی، فقط به نوشتن حکایتی اکتفا می‌کنم. حقیقتا در حدود یک ماه مشغول تهیه این داستان بوده‌ام. این داستان را خیالی نامیده‌ام. و حال آنکه شخصا معتقدم در حقیقت واقعی است؛ ولی از طرف دیگر خیالی هم هست، مخصوصا شکل حکایت تخیلی است، به این دلیل لازم می‌بینم که بدوا آن را توصیف کنم».

این قطعه، نه داستان است نه یادداشت روزانه. در

حقیقت این سبک هنری برای بیان مفهوم چیز تازه‌ای نیست. ویکتور هوگو در کتاب آخرین روز یک نفر محکوم به مرگ همین سبک را به کار برده است. هوگو از یک تندنویس چیزی نمی‌گوید، اما امری غیر بدیهی و بسیار مهم‌تر را پیش می‌کشد. از این طریق که فرض می‌کند مردی که به مرگ محکوم شده، آن نیرو و حتی فرصت را دارد که نه تنها به آخرین روزهای خود بلکه به آخرین

ساعات و دقائق زندگی خود به تمامی معنی بیاندیشد و آنها را یکایک یادداشت کند و عینا و دقیقا عکس برداری کند. اگر هوگو می‌خواست از این فرض خیالی صرف‌نظر کند، آن وقت مجبور بود اصلا از نوشتن کتاب، کتابی که حقا از بهترین کتاب‌های اوست، چشم‌پوشد و هیچ وقت این کتاب به وجود نمی‌آمد».

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۳ با ترجمه رحمت الهی از سوی بنگاه نشر کتاب‌های

جیبی منتشر شده است و انتشارات علمی و فرهنگی به تازگی آن را در قطعی تازه منتشر کرده است.

### بازدید وزیر ارشاد از مجموعه تئاتر شهر



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صبح روز یکشنبه در راستای طرح بازسازی تالارهای نمایشی مجموعه تئاتر شهر با حضور در این مجموعه و بازدید از بخش‌های مختلف آن در جریان روند عملیاتی این طرح قرار گرفت. علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن گفت‌وگو با مدیران و کارشناسان این طرح خواستار اقدامات مرحله به مرحله با هدف آماده‌سازی فوری این تالارها شد. همچنین مدیر

دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد در بازدید وزیر ارشاد از تئاتر شهر، تاریخ تحویل سالن سایه و پلاتوهای تمرین مجموعه تئاتر شهر را مردادماه اعلام کرد.

در این بازدید جنتی از سالن‌های سایه، قشقایی و پلاتوهای تئاتر دیدن کرد و در جریان مراحل ساخت، خرید تجهیزات و تغییرات ایجاد شده قرار گرفت. جنتی با اشاره به نامگذاری امسال به نام تئاتر از کند بودن روند بازسازی ابراز نارضایتی کرد و بر لزوم به سامان رسیدن و افزایش سرعت کار مراحل بازسازی این مجموعه و بهبود شرایط هنرمندان تاکید کرد. مسعود معمار، مدیر دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد نیز توضیحاتی را به وزیر ارشاد ارائه و تاریخ تحویل سالن سایه و دو پلاتو تمرین این مجموعه را مردادماه اعلام کرد. در حاشیه این بازدید علی مرادخانی، معاون امور هنری وزیر ارشاد با اشاره به زمان اعلام‌شده از سوی مدیر دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد برای تحویل سالن سایه و پلاتوها، گفت: «شاید این روند چند روز عقب‌تر از زمان‌های اعلام شده باشد، اما آنچه برای ما اهمیت دارد کیفیت کار است.

را بر سر درش نوشته باشند غذایی هم تعریفی نخواهد داشت. البته دوستان گرمای هوا را بهانه کردند و بنده را به زور میهمان احمد بی کردند. بعد هم نگذاشتند بروم به صاحب آن رستوران «اولین» و «تنهاترین» و «متبرک» توضیح بدهم که این جمله غلط است و چرا غلط است. در عوض دل من از این نکته شاد شد که غذا اصلا باب طبع دوستان نبود و در نهایت احساس کردند پوشان‌را دور ریخته‌اند. شیوع این غلط‌ها و تذکر ندادن به کسانی که چنین غلط‌هایی را گل درشت و مشخص در دید عموم قرار می‌دهند مرا – اگر نگویم ناامید حداقل نگران‌تر می‌کند. ای کاش فرهنگستان زبان و ادب فارسی با همکاری اداره اماکن لااقل برای غلط‌هایی از جنس آنچه درباره رستوران احمد بی مثال زدم چاره‌ای می‌اندیشید. از بنده جز دعا کردن و غر زدن در این ستون و بعضا نکته‌ای را تذکر دادن کاری ساخته نیست. امید که ما مردم، خود ما مردم به بزرگ‌ترین خانه‌ای که داریم بیش از اینها بها بدهیم که به قول هایدگر: «زبان، خانه هستی است».

جماعتی می‌خواهند برای خودشان تبلیغ کنند؛ تراکت و بروشور تهیه می‌کنند و پخش می‌کنند بین خلاق. مثلا تبلیغ است اما سراسر غلط… برایتان مثال می‌زنم که فکر نکنید سختگیرم و زیادی مته به خشخاش می‌گذارم: چندی پیش با جمعی از دوستان گرسنه در حوالی میدان توحید بودیم و گفتیم برویم در خیابان ستارخان غذا بخوریم. سر از رستوران احمد بی در آوریم و من در بدوورد دیدم رستوران با فونت درشت طوری که از فاصله چند متری دیده شود. نوشته شده است: «رستوران احمد بی اولین و تنهاترین متبرک کباب‌ترکی ذغالی در ایران»!!!!!! خدا وکیلی شما بفرمایید این جمله آبروی زبان فارسی را نمی‌برد؟ هرچه غلط دستوری و محتوایی بوده توی یک جمله جمع کرده‌اند و آن جمله را با افتخار بر سر در یک رستوران نوشته‌اند که چه بشود؟ نمی‌دانم.

از همان دم در به همراهان گرمی‌گفتم: دوستان! بیایید برگردیم. غذا خوردن در این رستوران توهین به خودمان است. بعد هم مطمئن باشید جایی که برای تبلیغ، چنین جمله افتضاحی